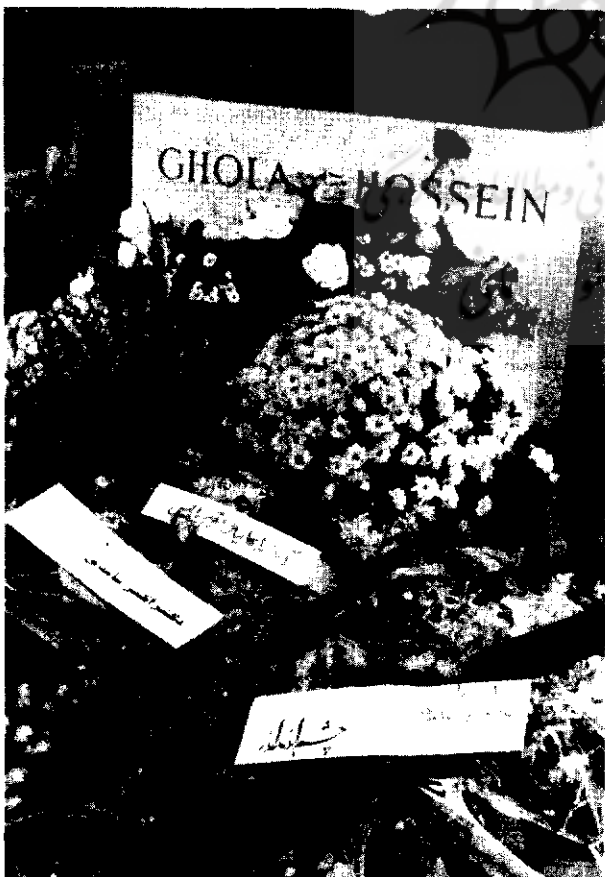


# سالشمار غلامحسین ساعدی (گوهر مراد)



- تولد ۲۴ دی ماه. مادر طیبیه؛ پدر علی اصغر ۱۳۱۴
- ورود به دبستان «بدر» تبریز ۱۳۲۲
- ورود به دبیرستان «منصور» تبریز ۱۳۲۹
- آغاز فعالیت سیاسی هم‌زمان با نهضت ملی ۱۳۳۰
- مسئولیت انتشار روزنامه‌های «فریاد» و «صعود» و «جوانان آذربایجان» و انتشار مقاله و داستان در این سه روزنامه و «دانش‌آموز» چاپ تهران. ۱۳۳۱
- دو ماه زندگی مخفی بعد از ۲۸ مرداد. دستگیری شهریور ۳۲ (چند ماه در زندان بسر می‌برد). در همین سال نگارش داستان بلندی به نام «نخود هرآش» که چاپ نشده است. ۱۳۳۲
- ورود به دانشکده‌ی پزشکی تبریز. ۱۳۳۴
- همکاری با مجله‌ی سخن و انتشار داستان «مرغ انجیر» و انتشار «پیگمالیون» (داستان و نمایشنامه) در تبریز. ۱۳۳۵
- انتشار داستان «خانه‌های شهر ری» در تبریز و نمایشنامه «لیلاج‌ها» در مجله سخن. ۱۳۳۶
- رهبری جنبش‌های دانشجویی و اعتصابات دانشگاه تبریز، آشنایی و دوستی با صمد بهرنگی، بهروز دهقانی، مفتون امینی، کاظم سعادت‌نی، مناف ملکی. نوشتن داستان کوتاه «شکایت» و نمایشنامه‌ی تک‌پرده‌ای «غیوران شب» ۱۳۳۷
- نمایشنامه تک‌پرده‌ای «سایه‌های شبانه» ۱۳۳۸
- انتشار نمایشنامه‌ی «کار بافک‌ها در سنگر» و مجموعه داستان‌های کوتاه «شب‌نشینی باشکوه» و نمایشنامه‌ی سفر مرد خسته (۴ پرده) در تبریز. ۱۳۳۹
- فراغت از تحصیل دانشکده‌های پزشکی و گذراندن پایان‌نامه‌ای به نام «علل اجتماعی پسیکونوروزها در آذربایجان» که پس از ماه‌ها بحث با اکراه پذیرفته شد؛ انتشار نمایشنامه‌ی «کلاته گل» به صورت مخفی در تهران. ۱۳۴۰
- اعزام به خدمت سربازی؛ طبابت در پادگان سلطنت آباد به صورت سرباز سفر؛ نگارش داستان‌های کوتاه «صداخانه»، «پادگان خاکستری» و «مانع آتش» که پس از مرگ در مجله‌ی کلک به چاپ رسید. ۱۳۴۱
- افتتاح مطب شبانه‌روزی به اتفاق برادرش دکتر علی اکبر در دلگشا، همکاری با کتاب هفته و مجله آرش.





۱۳۴۲

● انتشار ده لال بازی (پانتومیم)؛ پانتومیم «فقیر» توسط جعفر والی در تلویزیون اجرا شد.  
ورود به بیمارستان روانی «روزبه» جهت اخذ تخصص بیماری‌های اعصاب و روان.

همکاری با موسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی و انتشار تک‌نگاری «ایلخچی» توسط همان موسسه و چاپ مقالات علمی در مجله‌ی روان پزشکی.

ترجمه‌ی کتاب «شناخت خویشتن» (آرتور جرسیلد) با محمدنقی براهنی؛ ترجمه کتاب «قلب و بیماری‌های قلبی و فشار خون» (ه. بله کسلی) با محمدعلی نقشینه.

● نگارش تک‌نگاری «خیاو یا مشکین شهر»؛ ترجمه‌ی فیلمنامه‌ی «آمریکا، آمریکا، الیا کازان» با محمدنقی براهنی. چاپ لال بازی «در انتظار» در مجله‌ی آرش.

انتشار هشت داستان پیوسته‌ی «عزاداران بیل»

۱۳۴۳

● انتشار نمایشنامه‌ی «چوب بدستهای ورزیل» که به کارگردانی جعفر والی در تالار سنگلج روی صحنه آمد. انتشار تک‌نگاری «خیاو یا مشکین شهر»؛ انتشار نمایشنامه‌ی «بهترین بابای دنیا» که به کارگردانی عزت‌الله انتظامی در تالار سنگلج روی صحنه آمد.

نوشتن داستان بلند «مقتل» که دو فصل آن در سال ۱۳۴۹ در مجله نگین چاپ شد؛ سفر به جنوب و حاشیه‌ی خلیج فارس برای بررسی و مطالعه‌ی اوضاع اجتماعی و آداب و سنن بومی آن خطه.

● انتشار تک‌نگاری «اهل هوا»؛ انتشار مجموعه داستان «دندیل»؛ انتشار «پنج نمایشنامه از انقلاب مشروطیت» اجرای نمایشنامه‌های «بام‌ها و زیر بام‌ها»، «از پا نیفتاده‌ها»، «گرگ‌ها» و «گاو» به کارگردانی جعفر والی در تلویزیون و «ننه انسی» در تالار سنگلج.

● انتشار مجموعه داستان «واهمه‌های بی‌نام و نشان» که داستان «آرامش در حضور دیگران» از این مجموعه توسط ناصر تقوایی به صورت فیلم درآمد.

انتشار نمایشنامه‌ی «آی بی‌کلاه، آی بی‌کلاه» که به کارگردانی جعفر والی در تالار سنگلج به روی صحنه آمد.

۱۳۴۴

۱۳۴۵

۱۳۴۶

انتشار «خانه روشنی» شامل پنج نمایشنامه که نمایشنامه‌ی «خانه روشنی» توسط علی نصیریان و نمایشنامه‌ی «دعوت» و «دست بسالای دست» به کارگردانی جعفر والی به روی صحنه رفت و نمایشنامه‌ی «خوشا به حال بردباران» به کارگردانی داود رشیدی در تلویزیون اجرا شد.

مذاکره با دولت وقت به اتفاق جلال آل احمد، رضا

براهنی و سیروس طاهباز برای رفع سانسور از اهل قلم و مطبوعات.

تشکیل هسته‌ی اصلی کانون نویسندگان.  
همکاری با مجله‌های جهان نو، فردوسی، خوشه، نگین و جنگ‌های ادبی.

● انتشار داستان «ترس و لرز» (۶ داستان پیوسته) انتشار نمایشنامه‌ی «دیکته و زاویه» (۲ نمایشنامه) که به کارگردانی داود رشیدی در تالار سنگلج به اجرا درآمد. سفر به آذربایجان و منطقه‌ی «قره‌داغ» جهت تدارک تک‌نگاری «قره‌داغ» که قسمت‌هایی از آن به نام «گلیبر»، «مزند»، «اهر»، «خوی» و «رضائیه» در مجله‌ی «پیک جوانان» سال ۱۳۵۱ به چاپ رسید.

● انتشار رمان «توپ»  
انتشار نمایشنامه‌ی «پرواز بندگان» که به کارگردانی محمدعلی جعفری در تهران و شهرستان‌ها به روی صحنه آمد.

انتشار فیلمنامه‌ی «فصل گستاخی» و «گم‌شده‌ی لب دریا» داستان کودکان که توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده است.

● انتشار نمایشنامه‌ی «وای بر مغلوب» که به کارگردانی داود رشیدی در تالار سنگلج اجرا شد.

انتشار نمایشنامه‌ی جانشین و فیلمنامه‌ی «مسا نمی‌شنویم» (سه فیلمنامه‌ی کوتاه)  
نمایشنامه‌ی «ضحاک» که به دلیل سانسور وقت منتشر نشده است.

● انتشار فیلمنامه‌ی «گاو» براساس قصه‌ای از کتاب عزاداران بیل که در سال ۱۳۴۸ توسط داریوش مهرجویی به صورت فیلم درآمد.

انتشار نمایشنامه‌ی «وای بر مغلوب» که به کارگردانی داود رشیدی در تالار سنگلج اجرا شد.

انتشار نمایشنامه‌ی جانشین و فیلمنامه‌ی «مسا نمی‌شنویم» (سه فیلمنامه‌ی کوتاه)  
نمایشنامه‌ی «ضحاک» که به دلیل سانسور وقت منتشر نشده است.

● انتشار فیلمنامه‌ی «گاو» براساس قصه‌ای از کتاب عزاداران بیل که در سال ۱۳۴۸ توسط داریوش مهرجویی به صورت فیلم درآمد.

انتشار نمایشنامه‌ی «چشم در برابر چشم» که در سال ۱۳۵۱ به کارگردانی «هرمز هدایت» به روی صحنه رفت.

● انتشار مجله‌ی الفبا با همکاری نویسندگان معتبر آن روزگار (مجموعاً ۶ شماره‌ی آن به چاپ رسید).

۱۳۴۷

۱۳۴۸

۱۳۴۹

۱۳۵۰

۱۳۵۰

۱۳۵۳

نوشتن نمایشنامه‌ی «مار در محراب» که به خاطر سانسور وقت در سال ۱۳۷۲ تحت عنوان «مار در معبد» به چاپ رسید.

۱۳۵۳ ● سفر به «لاسگورد» در اطراف سمنان جهت تهیه تک نگاری راجع به شهرک‌های نوبنیاد؛ دستگیری توسط ساواک؛ انتقال به زندان «قزل قلعه» و بعد به زندان «اوین» که مدت یک سال را در سلول انفرادی گذراند و شکنجه شد. (بارها توسط ساواک و شهربانی دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود که یک بار منجر به بستری شدنش در بیمارستان جاوید شد.)  
نگارش رمان «تاتار خندان» که در زندان نوشته شده است.

در دهی ۵۰ ضمن فعالیت سیاسی گسترده با طیف وسیعی از مبارزان راه آزادی ارتباط برقرار کرد، ارتباطی که تا پایان عمر ادامه پیدا کرد.]

انتشار کتاب «کلاته نان» داستانی برای کودکان.

۱۳۵۴ ● آزادی از زندان، انتشار «عاقبت قلم‌فرسایی» (۲ نمایشنامه) فیلمنامه‌ی «عاقبتگاه» که بعد از مرگش به چاپ رسید.

سفر به شمال و نوشتن نمایشنامه‌ی «هنگامه آرایان» که هنوز چاپ نشده است.

۱۳۵۵ ● سفر به تبریز و نوشتن رمان «غریبه در شهر» که بعد از مرگش در سال ۱۳۶۹ منتشر شد.

۱۳۵۶ ● انتشار «گور و گهواره» (سه داستان)؛ براساس داستان «آشفالدونی» از این مجموعه فیلمنامه‌ای به اسم «دایره‌ی مینا» نوشته شد که توسط داریوش مهرجویی به صورت فیلم درآمد.  
انتشار نمایشنامه ماه عسل.

چاپ نمایشنامه‌ی تک پرده‌ای «رگ و ریشه‌های دریدری» و ترجمه‌ی برخی از آثارش به زبان‌های روسی، انگلیسی و آلمانی.

۱۳۶۴ ● سخنرانی در شب‌های شعر انجمن گوته، تحت عنوان «شبه هنرمند» که در سال ۱۳۵۷ در کتاب «ده شب» به چاپ رسید.

۱۳۵۷ ● سفر به آمریکا بنابه دعوت انجمن قلم آمریکا و ناشرین آمریکایی.

ایراد سخنرانی‌های متعدد و عقد چند قرارداد برای ترجمه‌ی کتاب‌هایش با ناشر معروف Random house «راندوم هاوس»

سفر به لندن در پاییز همان سال و همکاری با احمد شاملو در انتشار روزنامه‌ی فرهنگی - سیاسی

«ایران‌شهر».

بازگشت به ایران در اوایل زمستان سال ۱۳۵۷ و انتشار «کلاته کار» داستان کودکان.

انتشار مقالات سیاسی و اجتماعی در روزنامه‌های کیهان، اطلاعات، آیندگان، تهران مصور و نشریات دیگر.

انتشار داستان «واگن سیاه» در کتاب جمعه شماره‌ی اول ● نوشتن قصه‌ها و نمایشنامه‌هایی که هنوز منتشر نشده است از جمله داستان‌های «اسکندر و سمندر در گردباد»، «بوسه‌های عذرا»، «خانه باید تمیز باشد»، «جوجه تیغی» و نمایشنامه‌های «خرمن سوزها»، «بساران»، «پرنندگان در طویله» و تعدادی داستان و نمایشنامه که ناتمام و بدون عنوان برجای مانده است. داستان بلند و به هم پیوسته‌ی «سفرنامه‌ی سفیران خدیو مصر به دیار امیر تاتارها» که از سال‌ها قبل شروع به نوشتن آن کرده بود و چند قسمت آن در مجله‌ی «آرش» به چاپ رسیده است.

چاپ داستان «شنبه شروع شده» در مجله‌ی آرش و نمایشنامه تک‌پرده‌ای «خیاط جادو شده»، داستان «میهمانی»، «ساندویچ» و «آشفته حالان بیداربخت» در مجله‌های آدینه، دنیای سخن، کتاب به نگار و آرش

۱۳۶۰ ● سفر به پاریس در اواخر سال ۱۳۶۰ ازدواج با خانم بدری لنگرانی.

۶۱ - ۱۳۶۴ ● در خلال این سال‌ها اقدام به انتشار مجله‌ی الفبا (چاپ پاریس)، چند نمایشنامه به نام‌های «اتللو در سرزمین عجایب»، «پرده‌داران آینه افروز» و چند فیلمنامه به نام‌های «دکتر اکبر» و «رنسانس» با همکاری داریوش مهرجویی

نگارش فیلمنامه «مولوس کورپوس» براساس داستان «خانه باید تمیز باشد» و مقالات، داستان و نمایشنامه‌های نیمه تمام.

۱۳۶۴ ● روز دوم آذر بی صد هزار مردم تنها ● فوت در بیمارستانی در پاریس ● دفن در گورستان پرلاشز

تلخیص از سالشمار موجود در کتاب شناختنامه سعدی  
گردآوری: جواد مجابی

